

Causal Modeling of Bullying-related Behaviors based on the Experience of Child Abuse the Mediating Role of Emotional Safety

Mahboob M^{*1}, Basharpour S¹, hajilou N¹, Anbari E², Salvat H²

1- Department of Psychology, Faculty of Educational and Psychology, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran

2- Department of Psychology, Islamic University of Ardabil, Ardabil, Iran

* *Corresponding author.* Tel: +989214786710, Fax: +04533520457, E-mail: mahsaamahboob@gmail.com

Received: May 3, 2022

Accepted: Jul 2, 2022

ABSTRACT

Background & objectives: The purpose of this study was to model the causal behaviors related to bullying based on the experience of child abuse mediating the role of emotional security.

Methods: Method of this research was correlational. The statistical population of this study included male high school students in Ardabil city in the academic year of 97-98 in which 385 people were selected as a statistical sample by cluster random sampling. Bernstein's Child abuse (CTQ) and Emotional Security Questionnaires were used to collect data. Data were analyzed using structural equation modeling using AMOS22 and SPSS22 software.

Results: The results of the study were in line with the hypotheses that showed child abuse ($p < 0.05$) had a positive effect and emotional security ($p < 0.05$) had a negative effect on bullying-related behaviors. Also, the fit of the proposed model has a good fit and the variable power of emotional security in mediating the impact of child abuse on bullying-related behaviors was confirmed.

Conclusion: According to the results, parents should be aware of the devastating consequences of child abuse on their children's mental and physical health and the importance of emotional security and safety in their children's healthy development, to prevent and reduce bullying-related behaviors. Teachers and school officials should also be aware of bullying and related behaviors to reduce and prevent harmful effects on students.

Keywords: Bullying-related Behavior; Child Abuse; Emotional Security; Students

مدل یابی علتی رفتارهای مرتبط با قلدری بر اساس تجربه کودک آزاری

نقش میانجی ایمنی هیجانی

مهسا محبوب^{۱*}، سجاد بشریور^۱، نادر حاجیلو^۱، الهام عنبری^۲، حبیبه سلوت^۲

۱. گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

۲. گروه روانشناسی، دانشکده علوم، دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل، اردبیل، ایران

* نویسنده مسئول. تلفن: ۰۹۸۹۲۱۴۷۸۶۷۱۰ فاکس: ۰۴۵۳۳۵۲۰۴۵۷ پست الکترونیک: mahsaamahboob@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: هدف این پژوهش، مدل یابی علی (علتی) رفتارهای مرتبط با قلدری بر اساس تجربه کودک آزاری نقش میانجی ایمنی هیجانی بود.

روش کار: روش این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل دانش آموز پسر دوره دوم متوسطه شهر اردبیل در سال تحصیلی ۹۷-۹۸ بود که تعداد ۳۸۵ نفر به عنوان نمونه آماری به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. به منظور جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌های قلدری ایلینویز، ضربه کودکی (CTQ) برنستاین، ایمنی هیجانی استفاده شد. داده‌ها با استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری، با استفاده از نرم‌افزار AMOS-22 و SPSS-22 تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج پژوهش همسو با فرضیه‌ها نشان داد که کودک آزاری ($p < .05$) به شکلی مثبت و ایمنی هیجانی ($p < .05$) به شکلی منفی بر رفتارهای مرتبط با قلدری تأثیر دارند. همچنین برازش مدل پیشنهادی از برازش خوبی برخوردار است و توان متغیر ایمنی هیجانی در میانجی‌گری تأثیر کودک آزاری بر رفتارهای مرتبط با قلدری به تأیید رسید.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج بدست آمده، والدین باید از پیامدهای مخرب کودک آزاری بر سلامت روانی و جسمانی فرزندان و اهمیت امنیت و ایمنی هیجانی در رشد سالم فرزندان، جهت پیشگیری و کاهش رفتارهای مرتبط با قلدری آگاه شوند. معلمان و مسئولین مدرسه نیز باید با قلدری و رفتارهای مرتبط با آن جهت کاهش و جلوگیری از آثار زیان‌بار آن بر دانش‌آموزان آشنا شوند.

واژه‌های کلیدی: رفتارهای مرتبط با قلدری، کودک آزاری، ایمنی هیجانی، دانش‌آموزان.

پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۱۱

دریافت: ۱۴۰۱/۲/۱۳

مقدمه

فرد برخوردار از یک امتیاز جسمی، ذهنی، روان‌شناختی یا امتیاز دیگری (مثلاً تعلق به یک گروه)، بدون هیچ دلیل منطقی شخص ضعیف‌تری که قادر به دفاع از خود نیست را دچار آسیب فیزیکی یا روان‌شناختی می‌کند [۲]. انواع قلدری شامل، قلدری

قلدری نوعی پرخاشگری همسالان می‌باشد که معمولاً در مدارس اتفاق می‌افتد و پدیده‌ای جهانی است که تقریباً می‌توان در همه کلاس‌های درس شاهد آن بود [۱]. پدیده قلدری به این صورت انجام می‌شود که

کلامی (غیر فیزیکی)، فیزیکی، رابطه‌ای، آزار (مزاحمت) جنسی^۱ است [۳]. جدیدترین شکل قلدری، قلدری سایبری است که فرد قلدر از طریق انتشار پیامک‌ها و یا نشر تصاویر یا مطالب واقعی و غیرواقعی درباره آن‌ها برای فرد قربانی مشکلاتی ایجاد می‌کند. قلدرها (کسی که عمل قلدری را به صورت عمدی و به قصد آسیب به دیگران به طور مکرر انجام می‌دهد)، قربانی‌ها (فرد بی‌دفاعی که توسط قلدر مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرد) و ناظران قلدری (شاهد یا تماشاچی) سه شرکت کننده اصلی قلدری هستند [۲]. در پژوهشی بزرگ‌برویی و خضری [۴] نشان دادند که بالاترین میزان وقوع قلدری در پسران به ترتیب برای لقب دادن (۴۳٪)، مسخره کردن (۴۲٪)، فحش دادن (۳۶٪) و لگد زدن (۳۴٪) می‌باشد. در دختران نیز بالاترین میزان قلدری متعلق به مسخره کردن دیگران (۲۶/۹٪) بود. در مقایسه بین دختران و پسران معلوم شد که پسران در اکثریت انواع قلدری تفاوت معناداری با دختران دارند. علی‌وردی نیا و سهرابی [۵] نشان دادند که ۷/۶ درصد از دانش‌آموزان اصلاً قلدری ندارند. همچنین ۶۵/۴ درصد از افراد در حد کم، ۲۲/۲ درصد از افراد در حد متوسط و ۴/۹ درصد در حد زیاد است. در حالی که نقش عوامل زمینه‌ای مانند جنسیت، قومیت، وضعیت اقتصادی و عوامل وراثتی اثبات شده است، وجود یک سری از عوامل تشدیدکننده مانند محیط نامن و پر تنش خانواده و مدرسه می‌تواند شانس وقوع این نوع رفتار را افزایش دهند [۶].

تجربه کودک آزاری نیز می‌تواند عامل خطری برای رفتارهای مرتبط با قلدری باشد. طبق تعریف سازمان بهداشت جهانی^۲ کودک آزاری عبارت است از «آسیب یا تهدید سلامت جسم و روان و یا سعادت و رفاه و بهزیستی کودک به دست والدین یا افرادی که نسبت به او مسئول هستند». بدرفتاری با کودکان در ۶ حوزه

مورد بررسی قرار می‌گیرد. کودک آزاری جسمی که به طور کلی به مواردی چون ضربه‌زدن، داغ کردن، آسیب‌رساندن به سر، زخمی کردن یا هر شیوه از آسیب جسمانی گفته می‌شود [۷]. کودک آزاری روانی- عاطفی مواردی چون تحقیر کردن، تمسخر، سرزنش، طرد کردن، آزارهای کلامی، کنترل شدید و نامعقول، ترساندن، ناسزا گفتن و کلیه اقداماتی که کارکردهای روان‌شناختی، رفتار و رشد کودک را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد را در بر می‌گیرد [۸]. کودک آزاری جنسی، تماس جنسی و یا هرگونه تمایل جنسی بین کودک و بزرگسال، کودک آزاری جنسی است و ممکن است دامنه وسیعی از روسپیگری، استفاده از کودک در حوزه هرزه‌نگاری^۳ اینترنتی و... را شامل بشود [۹]. کودک آزاری ناشی از غفلت که این نوع کودک آزاری به صورت غیرعمدی و در اثر غفلت و مسامحه اتفاق می‌افتد؛ به این معنا که عدم توجه لازم و کافی والدین نسبت به تأمین نیازهای اولیه جسمی و روانی کودک و در حقیقت رابطه کم و جزئی والدین و سرپرستان با کودک، کودک آزاری ناشی از غفلت نامیده می‌شود [۹]. کودک آزاری آموزشی که به آزار و فشارهای نظام آموزشی، معلمان و شیوه‌های آموزش و تدریس در کودکان گفته می‌شود و کودک آزاری اقتصادی که به بدرفتاری اقتصادی و سو استفاده و بهره‌کشی اقتصادی والدین یا دیگر مراقبان نسبت به کودک گفته می‌شود [۱۰]. کودک آزاری اغلب تأثیرات مختلف جسمی، عاطفی، رفتاری و اجتماعی دارد. صدمات جسمی کودک آزاری ممکن است در همان لحظه ظاهر شود اما چه بسا اثرات کلی درازمدتی بر زندگی خانوادگی و اجتماعی داشته باشد. رفتارهای ضداجتماعی و پرخاشگری‌های جسمی به همراه خشم و ترس از آثار دائمی کودک آزاری است [۱۱]. در پژوهشی نوکتینی^۴ و همکاران [۱۲] نشان دادند که

³ Pornographi

⁴ Nocentini

¹ Sexual Bullying

² World Health Organization

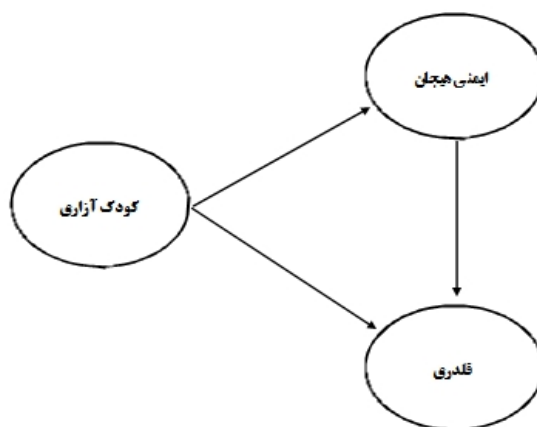
متغیرهای زمینه‌ای خانواده (سلامت روان و خشونت خانگی والدین) و متغیرهای ارتباطی خانواده (به ویژه سوء استفاده از کودکان و غفلت، والدین ناسازگار، دخالت و حمایت والدین) و متغیرهای فردی والدین از جمله خودکارآمدی والدین، نگرش والدین نسبت به قلدری و قربانی شدن در پیش‌بینی زورگویی نقش دارد. در پژوهشی سانگ هانگ^۱ و همکاران [۱۳] نشان دادند که تنبیه والدین رابطه مستقیم با قلدری دارد ولی در قربانی شدن در قلدری نقشی ندارد. در پژوهش دیگری گومز- ارتیزا^۲ و همکاران [۱۴] نشان دادند که پرخشگری روانی والدین و تنبیه بدنی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری با قلدری نوجوانان تأثیر غیرمستقیم و نقش میانجی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری پدر و مادر و قلدری نوجوانان دارد.

علاوه بر روابط مستقیم میان تجربه کودک آزاری به رفتارهای مرتبط بر قلدری، روابط غیرمستقیمی نیز مد نظر است؛ در این پژوهش، ایمنی هیجانی به عنوان میانجی‌گر این روابط در نظر گرفته شده است. تئوری ایمنی هیجانی بر مبنای دیدگاه کل‌گرا^۳ و با الهام از نظریه سیستم‌های خانواده^۴ [۱۵] و دلبستگی^۵ بالبی^۶ [۱۶] شکل گرفته است. ایمنی هیجانی یعنی اینکه پیوندهای خانواده در مواجهه با عوامل استرس‌زا، مثبت و با دوام هستند و اینکه آیا اعضای خانواده، به خصوص در زمان‌های وقوع رویداد استرس‌زا می‌توانند از لحاظ هیجانی و عاطفی در دسترس و پاسخ دهنده به کودکان باشند [۱۷]. تهدید هماهنگی و ثبات روابط خانواده، از احساس ایمنی هیجانی کودک می‌کاهد و به مشکلاتی در تنظیم هیجان، بازنمایی‌های منفی از روابط پدر و مادر و راهکارهای نامناسب برای

مقابله با تعارض پدر و مادر می‌انجامد. همچنین انرژی به کار رفته برای کسب دوباره ایمنی هیجانی، منابع جسمانی لازم برای ادامه نیازهای تحولی را محدود می‌کند و یا به دلیل چالش پیوسته با ناپیمنی، کودک را نسبت به استرس میان فردی حساس می‌کند که برآمد آن بی‌نظمی هیجانی و ناپایداری رفتاری است [۱۸]. بونیل- نیسیم^۷ و همکاران [۱۹] در پژوهشی نشان دادند که ارتباط ضعیف و منفی والدین و فرزند در قلدری و قربانی شدن در قلدری سایبری تأثیر مستقیم داشت و برعکس ارتباط قوی و مثبت بین والدین و فرزند موجب کاهش قلدری و قربانی شدن بود. در پژوهش دیگری شفق و همکاران [۲۰] نشان دادند که صداقت- تواضع، توافق، وظیفه‌شناسی، گشودگی به تجربه و دلبستگی ایمن با رفتارهای سازگارانه نوجوانان قلدر رابطه مثبت معنی‌دار دارند و برون‌گرایی و دلبستگی ناپیمن با رفتارهای سازگارانه نوجوانان قلدر رابطه منفی معنی‌دار دارند. نتایج نشان داد که ابعاد شخصیتی هگزاگو و سبک‌های دلبستگی، ۷/۷۶ درصد از واریانس‌های سازگارانه نوجوانان قلدر را تبیین می‌کند. پژوهشی [۲۱] نشان داد که درمان شناختی رفتاری باعث کاهش نمرات افسردگی و قلدری و افزایش مهارت‌های اجتماعی- هیجانی و حل مسئله به طور معنادار می‌شود. با توجه به نتایج پژوهش‌هایی که ذکر شد، می‌توان چنین گفت که پدیده قلدری اهمیت ویژه‌ای در مدارس داشته و ترکیبی از عوامل درونی و بیرونی در آن مؤثر می‌باشند. افراد قلدر نسبت به بقیه دانش‌آموزان بیشتر اهل نزاع، دارای نمرات ضعیف و نسبت به جو مدرسه احساس مکدر و منفی دارند. افراد قلدر دچار سوء مصرف مواد و الکل بوده و به احتمال زیاد در روابط با دیگران شکست خورده و در آینده شغل خود را از دست داده و در نهایت سر از زندان در می‌آورند. بسیاری از کودکانی که قلدری می‌کنند این رفتارهای آموخته را تا بزرگسالی ادامه می‌دهند و به

¹ Sung Hong² Gomez-Ortiz³ Principle of Holism⁴ The Theory of Family Systems⁵ Attachmant⁶ Bowlby⁷ Boniel-Nissim

احتمال زیاد در آینده به فرزندان خود نیز قلدری بکنند [۲۲]. بدلیل پراکنده بودن مطالعات خارجی و نبود پژوهش در داخل کشور بخصوص بررسی رابطه علتی بین عوامل اصلی ایجادکننده قلدری، از یکسو نتایج این پژوهش از بعد افزایشی می‌تواند باعث تقویت دانش روانشناسی در این حوزه شود و از سوی دیگر می‌تواند راهگشایی برای شناسایی عوامل دخیل در ایجاد و تداوم قلدری در سنین مدرسه باشد؛ بنابراین هدف پژوهش حاضر مدل یابی علتی رفتارهای مرتبط با قلدری بر اساس تجربه کودک آزاری نقش میانجی ایمنی هیجانی است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش کار

طرح پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود که در آن روابط علی بین متغیرها در قالب الگویابی معادلات ساختاری مورد مطالعه قرار گرفت. مطابق با شکل ۱ که مدل مفهومی پژوهش است، در این پژوهش، کودک آزاری متغیر پیش‌بین، ایمنی هیجانی متغیر واسطه‌ای و رفتارهای مرتبط با قلدری متغیر ملاک بودند. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان پسر دوره دوم متوسطه شهر اردبیل در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ بود که مطابق آمار اخذشده تعداد کل آن‌ها ۵۸۰۳۶ نفر بودند. نمونه‌ای به حجم ۳۸۵ نفر از بین دانش‌آموزان پسر دوره دوم متوسطه به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای

چندمرحله‌ای بر اساس جدول نمونه‌گیری مورگان انتخاب شد. به این صورت که از بین مدارس پسرانه متوسطه دوم ۴ مدرسه به طور تصادفی انتخاب و از هر مدرسه ۴ کلاس به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند؛ و پرسشنامه‌ها بین ۱۶ کلاس توزیع شدند و تعداد ۳۸۵ نفر از دانش‌آموزان و والدین (پدر و یا مادر) آن‌ها در همان محل به پرسشنامه‌های مربوط به پژوهش پاسخ دادند. همچنین شایان ذکر است که یک نفر به عنوان پژوهشگر در کلاس حضور داشت و تمامی مراحل تکمیل پرسشنامه‌ها را نظارت می‌کرد و در صورت مواجه شدن دانش‌آموزان و والدین آن‌ها با مشکل در جهت تکمیل پرسشنامه‌ها، برای فهم بهتر سؤالات راهنمایی‌های لازم رو به آن‌ها می‌کردند.

ابزار پژوهش

- **مقیاس قلدری ایلینویز:** این مقیاس توسط اسپلیج و هالت [۲۳] طراحی شده است. یک ابزار خود گزارش‌دهی ۱۸ ماده‌ای است که جنبه‌های مختلف پدیده قلدری (قلدری کردن و قربانی‌بودن) و نیز نزاع را پوشش می‌دهد. این مقیاس دارای سه خرده مقیاس است: قلدری کردن، قربانی بودن و نزاع. از پاسخ‌دهندگان خواسته می‌شود نشان دهند که در طی یک ماه گذشته تا چه اندازه به رفتارهای قلدرانه، مبادرت کرده‌اند و نیز تا چه اندازه مورد قلدری قرار گرفته‌اند و پاسخ‌هایشان را بر روی یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای از «هیچ وقت=۱ تا ۲ بار در ماه=۱، ۳ تا ۴ بار در ماه=۲، ۵ تا ۶ بار در ماه=۳ و ۷ بار بیشتر=۴» مشخص سازند. نمره‌های آزمودنی در هر زیرمقیاس از طریق جمع نمره‌های انتخاب شده به دست می‌آید. شوحیا^۱ و همکاران [۲۴] در پژوهشی به بررسی ساختار عاملی و ویژگی روان‌سنجی مقیاس پرداختند. این محققان ساختار سه عاملی مذکور را با استفاده از روش‌های تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی، تأیید کردند. همچنین ضریب آلفای کرونباخ نیز برای این

^۱ Shuggia

مقیاس و زیرمقیاس‌ها به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۸۲، ۰/۷۳، ۰/۸۱ به دست آوردند که نشان از پایایی مطلوب این ابزار بود. در پژوهش چالمه [۲۵] که به منظور بررسی روایی، پایایی و ساختار عاملی مقیاس قلدری ایلینویز بر روی دانش‌آموزان ایرانی انجام پذیرفت، به منظور سنجش روایی از تحلیل عاملی اکتشافی، تحلیل عاملی تأییدی، روایی همگرا و افتراقی و روایی همزمان استفاده گردید و به منظور سنجش پایایی نیز از روش‌های بازآزمایی و همسانی درونی و دونیمه‌سازی استفاده گردید که تمامی روش‌های فوق حکایت از روایی و پایایی بالا و بسیار مطلوب این مقیاس بر روی دانش‌آموزان جامعه ایرانی دارد. پایایی پرسشنامه فوق در پژوهش چالمه ۰/۸۳ به دست آمد.

- پرسشنامه ضربه کودکی (CTQ) برنستاین: این پرسشنامه توسط برنستاین (۱۹۹۴) ساخته شد و در سال ۱۹۹۵ نسخه نهایی ۵۳ ماده‌ای آن ارائه شد. CTQ یک ابزار خود گزارش‌دهی است و برای سنجش آزاردیدگی دوران کودکی به کار برده می‌شود. CTQ آزاردیدگی را در ۵ خرده‌مقیاس اندازه‌گیری می‌نماید و یک نمره کلی نیز به دست می‌دهد که نشانگر بدرفتاری کلی است. پنج خرده‌مقیاس CTQ شامل خرده‌مقیاس آزار عاطفی (EA)، خرده‌مقیاس آزار جسمی (PA)، خرده‌مقیاس آزار جنسی (SA)، خرده‌مقیاس غفلت عاطفی (EN)، خرده‌مقیاس غفلت جسمی (PN) است. به منظور نمره‌گذاری ماده‌ها از یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت استفاده می‌شود [۲۶]. برنستاین (۱۹۹۵) پایایی عوامل مختلف CTQ را با دو روش بازآزمایی و آلفای کرونباخ بین ۰/۷۹ تا ۰/۹۴ گزارش کرده‌اند. در پژوهش دیگری [۲۷]، با استفاده از روش تصنیف و آلفای کرونباخ پایایی عوامل مختلف CTQ بین ۰/۶۵ تا ۰/۹۴ به دست آمد. به منظور تعیین روایی CTQ از روش تحلیل عوامل استفاده شد که عوامل به دست آمده منطبق با خرده‌مقیاس‌های پرسشنامه بودند.

- مقیاس دلبستگی و ایمنی هیجانی: این مقیاس توسط خدمات خانواده کیسی در ایالت متحده آمریکا در سال ۲۰۰۷ ساخته شد و به منظور ارزیابی میزان ایمنی هیجانی در نوجوانان ساخته شده است. این پرسشنامه شامل ۲ عامل و ۲۵ ماده است که بر روی عامل اول (ایمنی هیجانی) ۱۳ ماده و بر روی عامل دوم (تعلق) ۱۲ ماده قرار گرفته است. از بین ۲۵ سؤال ۲۲ سؤال را همه آزمودنی‌ها و ۳ سؤال را نوجوانانی که علاوه بر خود خواهر یا برادر دیگری دارند، پاسخ می‌دهند. در این تست از مقیاس لیکرت استفاده می‌شود که در آن با توجه به پاسخ موردنظر عدد ۱ تا ۵ را می‌توانند انتخاب کنند که آن گزینه بهترین نحوه احساسات آن‌ها را شرح دهد [۲۸]. درجات پاسخ و نمره‌گذاری شامل کاملاً موافقم (۱)، عمدتاً موافقم (۲)، نه موافقم و نه مخالفم (۳)، عمدتاً مخالفم (۴) و کاملاً مخالفم (۵) و دامنه نظری نمرات آن‌ها برای آزمودنی‌هایی که به ۲۲ سؤال پاسخ می‌دهند بین ۲۲ تا ۱۱۰ و آزمودنی‌هایی که به ۲۵ سؤال پاسخ می‌دهند بین ۲۵ تا ۱۲۵ است. میزان ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه ایمنی هیجانی برای نوجوانان ۱۵ تا ۱۷ سال برای همه آزمودنی‌ها و برای آزمودنی‌های چند فرزندی به ترتیب ۰/۸۹۲/۰ (۰/۸۷۴) و ۰/۹۰۲ (۰/۸۹۸) می‌باشد. این یافته گویای آن است که پرسشنامه مذکور دارای سطح بسیار خوبی از همسانی درونی و پایایی می‌باشد [۲۹].

روش اجرا و تحلیل داده‌ها

پس از اخذ مجوز از دانشگاه محقق اردبیلی، به اداره کل آموزش و پرورش استان اردبیل مراجعه شد. سپس از بین ۲ ناحیه آموزش و پرورش شهر اردبیل به تصادف ناحیه ۲ انتخاب شد. پس از انتخاب مدارس و نمونه آماری و بیان اهداف تحقیق و نحوه پاسخ‌دهی و تکمیل پرسشنامه‌ها به دانش‌آموزان، از آن‌ها خواسته شد به پرسشنامه‌های قلدری، کودک‌آزاری و ایمنی هیجانی پاسخ دهند. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از روش الگویابی معادلات ساختاری (SEM)

تجزیه و تحلیل شدند. تمامی مراحل تجزیه و تحلیل داده‌ها با کمک نرم افزارهای AMOS-22 و SPSS-22 انجام شد.

یافته‌ها

اطلاعات جمعیت شناختی آزمودنی‌ها

از تعداد ۳۸۵ دانش آموز پسر شرکت کننده در این پژوهش، ۲۱۳ نفر کلاس دهم (۵۵/۳)، ۱۰۵ نفر کلاس یازدهم (۲۷/۳) و ۶۷ نفر کلاس دوازدهم (۱۷/۴) بودند. دامنه سنی این دانش آموزان بین ۱۴ الی ۱۸ سال بود. از بین والدین شرکت کننده در این پژوهش ۱۲۳ نفر از آن‌ها مادران این بچه‌ها بودند که ۳۳ نفر

از آن‌ها تحصیلاتشان زیر دیپلم بود (۸/۶)، ۴۱ نفر دیپلم (۱۰/۶)، ۱۲ نفر لیسانس (۳/۱۲) و ۳۷ نفر فوق لیسانس و بالاتر بودند (۹/۶). همچنین از بین ۲۶۲ نفر از پدران شرکت کننده در این پژوهش، ۱۰۲ نفر تحصیلاتشان زیر دیپلم بود (۲۶/۵)، ۸۳ نفر دیپلم (۲۱/۶)، ۲۰ نفر لیسانس (۵/۲) و ۵۷ نفر فوق لیسانس و بالاتر بودند (۱۴/۸). همچنین قابل ذکر است که ۳۵ نفر از این شرکت کنندگان بین ۳۵ تا ۴۴ ساله، ۱۲۲ نفر بین ۴۰ تا ۴۵ ساله، ۷۵ نفر بین ۴۵ تا ۴۸، ۵۵ نفر بین ۴۹ تا ۵۰ و ۴۳ نفر ۵۱ تا ۵۵ و ۵۶ نفر بین ۵۶ تا ۶۰ ساله بودند.

جدول ۱. میانگین و ضرایب همبستگی نمرات آزمودنی‌ها در متغیرهای پژوهش

متغیرها	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)	(۷)	(۸)
۱. آسیب‌های دوران کودکی	۱							
۲. مسامحه فیزیکی	۰/۵۸**	۱						
۳. سوءاستفاده عاطفی	۰/۸۵**	۰/۱۳*	۱					
۴. سوءاستفاده فیزیکی	۰/۸۰**	۰/۲۱**	۰/۶۰**	۱				
۵. سوءاستفاده جنسی	۰/۷۴**	۰/۱۰*	۰/۷۱**	۰/۵۴**	۱			
۶. مسامحه عاطفی	۰/۲۲**	۰/۲۱**	۰/۰۳۱	۰/۰۵۹	۰/۲۸**	۱		
۷. ایمنی هیجانی	۰/۳۴**	۰/۲۰**	۰/۴۴**	۰/۳۴**	۰/۶۴**	۰/۴۸**	۱	
۸. قلدری	۰/۲۸**	۰/۳۶**	۰/۱۲*	۰/۲۰**	۰/۲۳**	۰/۳۸**	۰/۲۱**	۱
میانگین	۴۱/۰۱	۱۱/۲۷	۶/۱۴	۸/۳۹	۳/۱۱	۱۲/۰۸	۴۲/۳۳	۲/۰۰
انحراف معیار	۱۰/۰۸	۲/۳۸	۳/۵۳	۲/۸۱	۴/۴۸	۲/۹۶	۱۰/۳۸	۰/۹۱۰

$(p < 0/01; r = -0/64)$ سوءاستفاده جنسی و با مسامحه عاطفی $(p < 0/001; r = 0/48)$ ارتباط منفی دارد.

سطح معنی داری در آزمون پژوهش حاضر ۰/۰۵ در نظر گرفته شد. قبل از تحلیل داده‌ها و برای اطمینان از این که داده‌های این پژوهش مفروضه‌های زیربنایی مدل‌یابی معادلات ساختاری را برآورد می‌کنند، چند مفروضه اصلی معادلات ساختاری شامل داده‌های گمشده^۱، نرمال بودن^۲ و هم‌خطی چندگانه^۳ مورد

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که قلدری با نمره کل آسیب‌های دوران کودکی $(p < 0/001; r = 0/28)$ و مؤلفه‌های مسامحه فیزیکی $(p < 0/001; r = -0/36)$ ، سوءاستفاده عاطفی $(p < 0/05; r = 0/12)$ ، سوءاستفاده جنسی $(p < 0/015; r = 0/20)$ ، سوءاستفاده جنسی $(p < 0/001; r = 0/23)$ و با مسامحه عاطفی $(p < 0/001; r = 0/38)$ ، ارتباط مثبت و با نمره کل ایمنی هیجانی $(p < 0/001; r = -0/21)$ ارتباط منفی دارد. همچنین ایمنی هیجانی با نمره کل آسیب‌های دوران کودکی $(p < 0/001; r = -0/22)$ و مؤلفه‌های مسامحه فیزیکی $(p < 0/001; r = -0/20)$ ، سوءاستفاده عاطفی $(p < 0/05; r = -0/34)$ ، سوءاستفاده فیزیکی

¹ Missing

² Normality

³ Multicollinearity

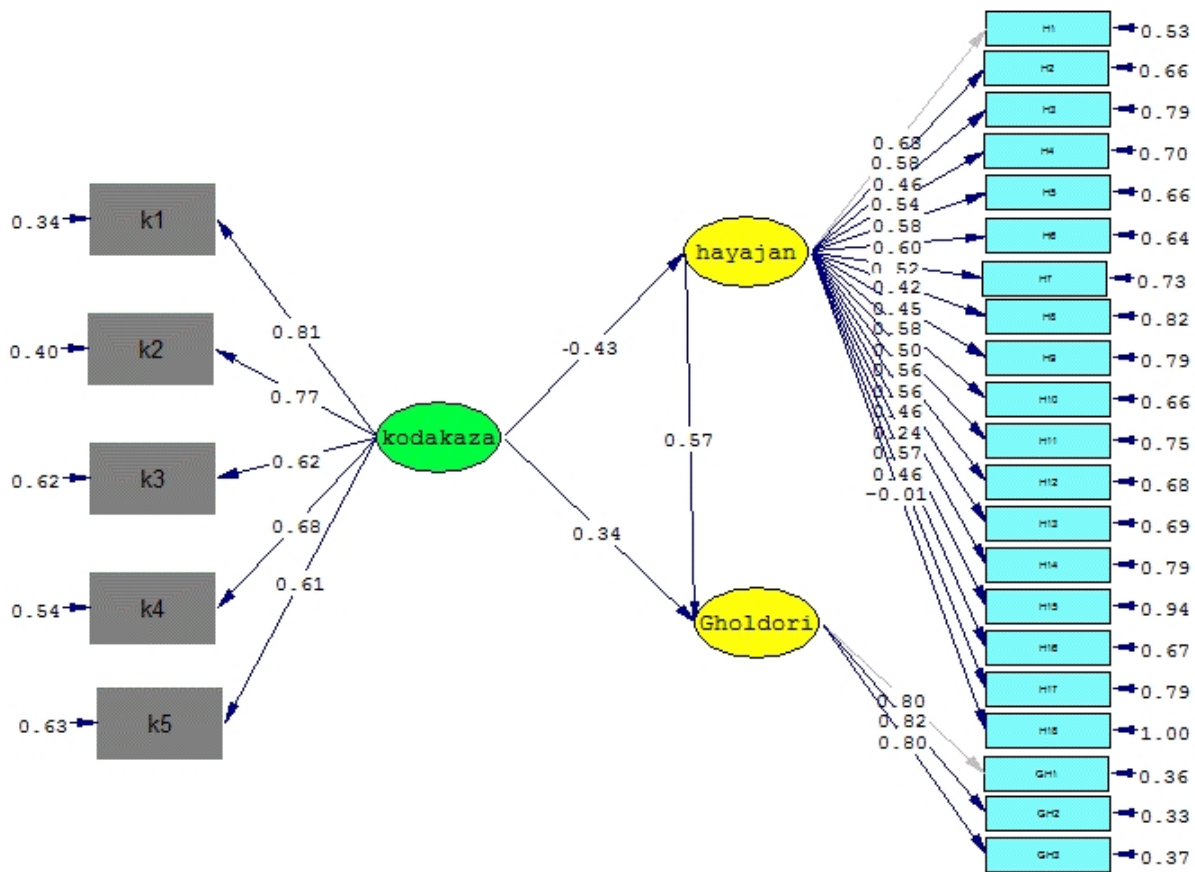
به دست آمده برای متغیرها بالای ۰/۱۰ هستند و نشان دهنده عدم وجود هم خطی چندگانه بین متغیرها است و همچنین مقدار عامل تورم واریانس به دست آمده برای متغیرها کوچکتر از ۱۰ بودند که نشان دهنده عدم خطی چندگانه بین متغیرها است. در نمودار ۱ بارهای استاندارد شده مدل پژوهش را نشان می دهد. در این مطالعه تمام روابط تجربه کودک آزاری و ایمنی هیجانی با رفتارهای مرتبط با قلدری دانش آموزان معنی دار می باشد ($p < 0.05$).

بررسی قرار گرفتند. در پژوهش حاضر جهت نرمال بودن متغیرها از آزمون آماری کولموگروف-اسمیرنوف^۱ استفاده گردید که نتایج آن نشان داد که داده ها دارای توزیع نرمال بودند ($p > 0.05$) و هم خطی چندگانه بین متغیرها با استفاده از آماره تحمل^۲ و عامل تورم واریانس^۳ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که ارزش های تحمل

¹ Kolmogorov-Smirnov

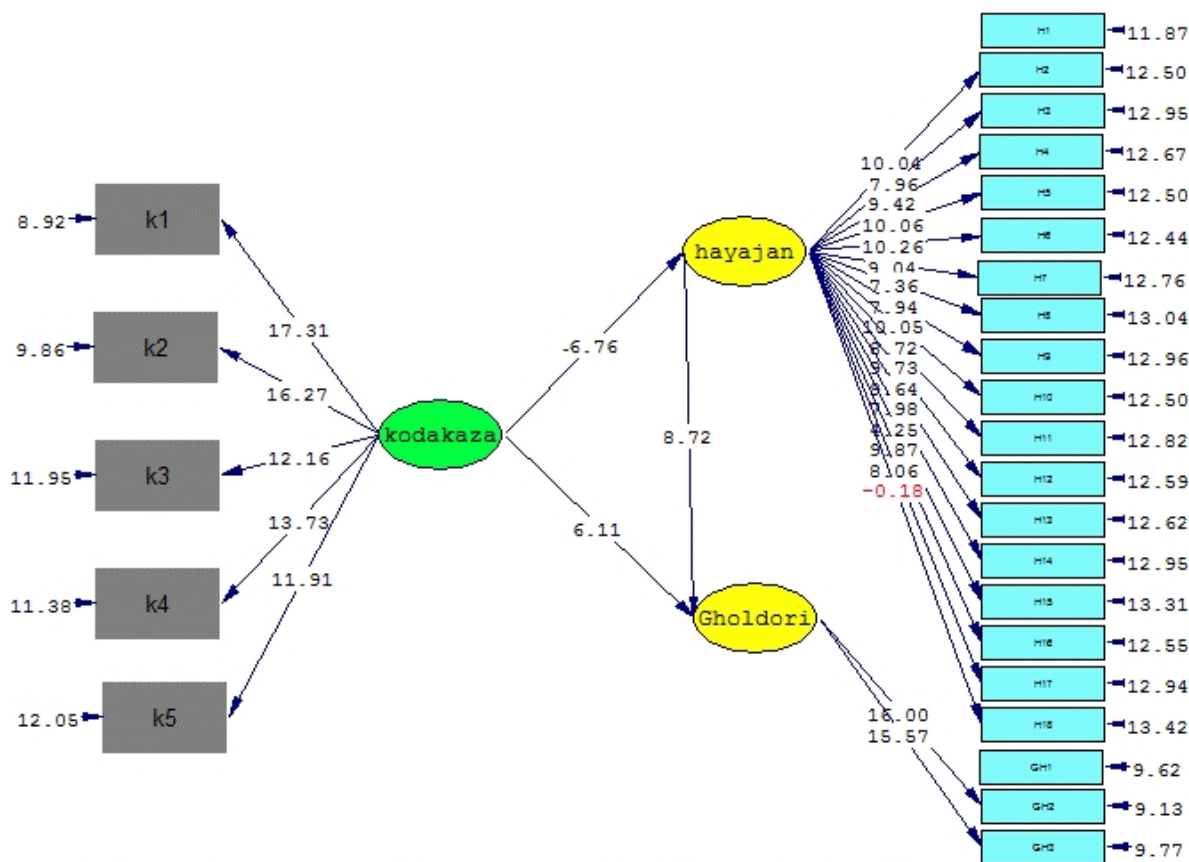
² Tolerance

³ Inflation Factor Variance



Chi-Square=602.16, df=296, P-value=0.00000, RMSEA=0.054

نمودار ۱. بارهای استاندارد شده مدل پیش بینی رفتارهای مرتبط با قلدری بر اساس تجربه کودک آزاری نقش میانجی ایمنی هیجانی



Chi-Square=602.16, df=296, P-value=0.00000, RMSEA=0.054

نمودار ۲. نتایج تحلیل محاسبه مقدار T مدل پیش بینی رفتارهای مرتبط با قلدری بر اساس تجربه کودک آزاری نقش میانجی ایمنی هیجانی

با توجه به نمودار ۲ و اطلاعات جدول ۲ تأثیر مستقیم کودک آزاری بر قلدری ۰/۳۴، کودک آزاری بر ایمنی هیجانی ۰/۴۳-، ایمنی هیجانی بر قلدری ۰/۵۷ است. همچنین با توجه به اطلاعات جدول ۲ میزان تأثیر غیرمستقیم کودک آزاری بر قلدری با میانجیگری ایمنی هیجانی ۰/۱۹ بوده است.

با توجه به نمودار ۲ و معناداری آماره T مربوط به هر یک از متغیرهای پژوهش در سطح خطای ۰/۰۵، فرضیه پژوهش پیش بینی رفتارهای مرتبط با قلدری بر اساس تجربه کودک آزاری نقش میانجی ایمنی هیجان تأیید می‌شود.

جدول ۲. شاخص‌های برازندگی مدل پیش بینی رفتارهای مرتبط با قلدری بر اساس تجربه کودک آزاری نقش میانجی ایمنی هیجانی

تأثیرات مستقیم	میزان اثر	مقدار T	مقدار P	نتیجه
کودک آزاری بر قلدری	۰/۳۴	۶/۱۱	۰/۵۱	تأیید نشده
کودک آزاری بر ایمنی هیجانی	-۰/۴۳	-۶/۷۶	۰/۰۰۱	تأیید شده
ایمنی هیجانی بر قلدری	۰/۵۷	۸/۷۲	۰/۰۰۱	تأیید شده
تأثیرات غیرمستقیم میزان اثر	مقدار T*			
کودک آزاری بر ایمنی هیجانی	قلدری	۰/۳۴ × ۰/۵۷ = ۰/۱۹	۴/۷۶	تأیید شده

* محاسبه آماره T با استفاده از آزمون سوبل

جدول ۳. شاخص‌های برازش کلی مدل نهایی

شاخص	CMIN/DF	CFI	GFI	IFI	RMSEA
مقدار محاسبه شده	۲/۰۳	۰/۹۶	۰/۹۰	۰/۹۶	۰/۰۵۴
سطح قابل قبول	۱-۳	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	<۰/۰۸

با توجه به جدول ۳ جهت تعیین کفایت برازش الگوی پیشنهادی با داده‌ها شاخص‌های کای اسکوئر بهنجار شده^۱، نیکوئی برازش اصلاح شده^۲، شاخص برازش مقایسه‌ای^۳، شاخص برازش افزایش^۴ و ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد^۵ مورد استفاده قرار گرفت. مقادیر هر یک از این شاخص‌ها بین ۰ و ۱ قرار دارد و مقادیر نزدیک و یا بیشتر از ۰/۹۰ نشانه مطلوب بودن مدل می‌باشد. CFI برای این مدل ۰/۹۶، IFI ۰/۹۶، GFI ۰/۹۰ بوده که در بازه قابل قبول قرار می‌گیرد. شاخص‌های کای اسکوئر بهنجار شده (CMIN/DF) و شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI) در دامنه مورد قبول قرار دارد و مدل تدوین شده را مورد حمایت قرار می‌دهند. از آنجا که ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) برای مدل حاضر ۰/۰۵۴ به دست آمده است، از طرفی بازه قابل قبول برای آن کمتر از ۰/۰۸ می‌باشد. پس می‌توان گفت مدل برازش شده مدل مناسبی است.

بحث

هدف پژوهش حاضر مدل‌یابی علتی رفتارهای مرتبط با قلدری بر اساس تجربه کودک آزاری نقش میانجی ایمنی هیجانی بود. الگوی پیشنهادی در پژوهش حاضر، خلاصه‌ای مناسب از پیشینه پژوهشی مربوطه را فراهم آورده که می‌تواند به عنوان ابزار مناسب برای پژوهش‌های آتی مورد استفاده قرار گیرد. نتایج پژوهش حاضر، اثر مثبت مستقیم کودک آزاری بر قلدری را تأیید نمود. این نتایج همسو با نتایج

پژوهش‌های زتیس و همکاران [۳۰]، سانگ‌هانگ و همکاران [۱۳]، گومز- اریزرا و همکاران [۱۴] و قاسمی و همکاران [۳۱] می‌باشد. در پژوهشی زتیس و همکاران [۳۰] نشان دادند که نظم و انضباط قدرتمند و تنبیه سخت توسط پدر و مادر با زمینه‌سازی برای قلدری در کودکان همراه است. مادرانی که اغلب از تنبیه و انضباط سخت استفاده می‌کنند ۴/۳۶ درصد بیشتر احتمال دارد که یک کودک قلدر داشته باشند. پرخاشگری روانی و اشکال خفیف تنبیه بدنی بیشترین درصد احتمال برای زمینه‌سازی قلدری را دارند. در پژوهشی سانگ‌هانگ و همکاران [۱۳] نشان دادند که تنبیه والدین رابطه مستقیم با قلدری دارد ولی در قربانی‌شدن در قلدری نقشی ندارد. در ارتباط با این یافته می‌توان بیان کرد که کودک آزاری در حوزه‌هایی مانند ارتباطات اجتماعی، رفتارهای پرخاشگرانه، بزهکاری و مسائل روحی و روانی دارای تأثیر بوده و منجر به رشد غیرعادی مغز و دیگر اختلالات جسمی می‌شود. هنگامی که کودک در معرض استرس مداوم قرار می‌گیرد احساس و ادراکی در او به وجود می‌آید که باعث می‌شود موقعیت‌ها را به‌طور خودکار تهدیدکننده دریافت کند، پاسخ ترس دهد و دچار برانگیختگی زیاد شود. در این هنگام مغز کودک دنیا را مکانی ترسناک و غیرقابل پیش‌بینی می‌داند و در حالت گوش‌به‌زنگی به سر می‌برد. این گوش‌به‌زنگی و برانگیختگی در کودکان بزرگ و پسران بیشتر است. این حالت مغز شبیه اختلال استرس پس از سانحه است که در آن سیستم هشداردهنده مغز نسبت به تهدیدات محیطی بیش از اندازه حساس بوده که باعث پاسخ اضطراب و ترس از جانب کودک می‌شود. در صورت تداوم کودک آزاری سیستم مغزی دچار تغییر و تحول می‌شود. آزار و اذیت مهارت‌های

¹ Normed Chi-Square

² Adjusted Index; CMIN/DF

³ Comparative Fit Index (CFI)

⁴ Incremental Fit Index (IFI)

⁵ Root Mean Squared Error of Approximation; RMSEA

تنظیم هیجان کودک را حساس و نابالغ می‌کند که این مشکل با پرخاشگری پیش‌رونده و رفتارهای خود سرزنشگر در کودکی، نوجوانی و بزرگسالی ارتباط داشته و پیش‌بینی‌کننده پرخاشگری نوجوانی، انزوای اجتماعی، بزهکاری و خشونت می‌باشد. استرسی که کودک از آزار و اذیت دریافت می‌کند منجر به برانگیختگی بیش‌ازحد، اختلالات عاطفی، اختلال در کنترل مهارت‌های رفتاری، زبان‌شناختی، روانی می‌شود [۳۲]. طبق تئوری دلبستگی، کودکان آزرادیده نوعی دلبستگی نا به‌سامان و ناایمن با مراقبان خود برقرار می‌کنند و نسبت به خشم بسیار حساس می‌شوند. از سوی دیگر، والدین آزرادهنده منزوی بوده و در نتیجه فرزندان آن‌ها مدل‌های بسیار ضعیفی از تعاملات اجتماعی را از آن‌ها یاد می‌گیرند. این کودکان از نظر هیجانی در خانه امنیت نداشته و به دلیل حساسیت نسبت به خشم و خصومت در محیط خارج از خانواده، در تعاملات بیرون از خانواده دچار مشکل می‌شوند. کودکانی که آزار جسمی را تجربه کرده‌اند در مواقع استرس دچار خشم می‌شوند، در حالی که تجربه غفلت منجر به احساس ناامیدی و قربانی شدن در موقعیت‌های استرس‌زا می‌شود. همچنین تجارب سو استفاده، دلبستگی ضعیف و مدیریت نامناسب تعارضات، در قربانی قلدری شدن تأثیر دارد [۳۳].

همچنین نتایج پژوهش رابطه منفی مستقیم ایمنی هیجانی با رفتارهای مرتبط با قلدری را تأیید کرد که این یافته با نتایج پژوهش‌های بولگا و همکاران [۳۴]، بونیل و همکاران [۱۹]، همسو بود. در پژوهشی بولگا و همکاران [۳۴] نشان دادند که ویژگی‌های نوجوانان قلدر- قربانی سایبری از نظر کیفیت محیط خانواده و الگوهای ارتباطی خانواده در سطح پایین قرار داشت. علاوه بر این تعارضات خانوادگی در پیش‌بینی قلدری سایبری نقش داشت و ارتباطات غیرباز با مادر و ارتباطات سخت اجتناب‌ناپذیر با پدر در پیش‌بینی قلدری و قربانی قلدری سایبری نقش داشت. بونیل و همکاران [۱۹] در پژوهشی نشان دادند که ارتباط

ضعیف و منفی والدین و فرزند در قلدری و قربانی شدن در قلدری سایبری تأثیر مستقیم داشت و برعکس ارتباط قوی و مثبت بین والدین و فرزند موجب کاهش قلدری و قربانی شدن بود. در پژوهشی فینک و همکاران [۲۶] نشان دادند که بین سبک‌های دلبستگی ناایمن در مردان با میزان خشونت علیه همسرانشان همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. برای تبیین این یافته طبق نظریه ایمنی هیجانی با افزایش تعارضات والدین و مشکلاتشان با کودک، ایمنی هیجانی او کمتر می‌شود و این موجب مشکلات انطباقی در کودک می‌شود. بر اساس نظریه ایمنی هیجانی هنگامی که احساس ایمنی در نتیجه مشکلات با والدین و خانواده از بین می‌رود، تلاش برای بازگشت ایمنی در بلندمدت باعث ناسازگاری و ایجاد مشکلات و اختلالات درونی مانند افسردگی و اضطراب یا مشکلات بیرونی مانند پرخاشگری و رفتار ضداجتماعی در افراد می‌شود [۳۵]. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که کیفیت دلبستگی با قلدری و قربانی شدن رابطه دارد. دلبستگی ایمن می‌تواند یک عامل محافظت‌کننده هم در برابر قلدری کردن و هم در برابر قربانی شدن باشد [۳۶].

در پژوهش حاضر، علاوه بر مسیرهای مستقیم، مسیرهای غیرمستقیمی نیز میان رفتارهای مرتبط با قلدری با تجربه کودک آزاری از طریق ایمنی هیجانی مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج حاکی از آن بود که ایمنی هیجانی قادر است نقش واسطه‌ای در روابط میان متغیرهای ذکر شده ایفا کند. این موضوع ممکن است به این دلیل باشد که کودک پس از اینکه بصورت مداوم در معرض آزار هیجانی قرار می‌گیرد، وارد مسیر و گذرگاه‌های تحولی می‌شود که این مسئله زمینه را برای مستعد شدن کودکان برای نشان‌دادن رفتارهای مرتبط با قلدری فراهم می‌کند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی مدل یابی علی رفتارهای مرتبط با قلدری بر اساس تجربه کودک آزاری نقش میانجی ایمنی هیجانی دانش‌آموزان انجام گرفت. از نتایج این پژوهش می‌توان جهت آگاه‌سازی والدین نسبت به پیامدهای آن‌ها و نحوه برخورد و رفتارشان با فرزندان و کودک آزاری و آثار و پیامدهای مخرب آن که یکی از این پیامدها رفتارهای مرتبط با قلدری نوجوانان است، آشنا ساخت. همچنین والدین باید از اهمیت وجود امنیت و ایمنی هیجانی در محیط خانواده و روابط با فرزندان جهت تربیت فرزندی سالم از نظر روانی و اجتماعی جهت جلوگیری و کاهش رفتارهای مرتبط با قلدری نوجوانان آگاه شوند.

از محدودیت‌ها این پژوهش می‌توان به جامعه آماری پژوهش اشاره کرد که دانش‌آموزان پسر دوره دوم متوسطه را شامل می‌شود و تعمیم نتایج حاصل به دانش‌آموزان دختر و دانش‌آموزان دیگر مقاطع تحصیلی را با محدودیت مواجه می‌سازد. استفاده از ابزارهای خودگزارشی را نیز می‌توان از دیگر

محدودیت‌های این پژوهش برشمرد و همچنین می‌توان به عدم دسترسی به پژوهش‌های منتشر نشده در این زمینه و نیز از دست دادن تعدادی از پژوهش‌ها به دلیل عدم گزارش کامل شاخص‌های آماری اشاره کرد.

تشکر و قدردانی

این مطالعه برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی بالینی با کد اخلاق IR.ARUMS.REC.1397.218 می‌باشد. بدین وسیله از تمامی شرکت‌کنندگان در این تحقیق که محققین را در اجرای این پژوهش یاری کردند تشکر و قدردانی می‌گردد.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

سهم نویسندگان

سهم نویسندگان یکسان بوده است.

References

- 1- Smith PK, Brain P. Bullying in schools: lessons from two decades of research. *J Aggress Behav.* 2000 Jan; 26(1):1-9.
- 2- Litwiller BJ, Brausch AM. Cyber bullying and physical bullying in adolescent suicide: the role of violent behavior and substance use. *J Youth Adolesc.* 2013 May;42(5):675-684.
- 3- Beaty LA, Alexeyev EB. The problem of school bullies: what the research tells us. *Adolescence.* 2008 Spring; 43(169):1-11.
- 4- barzegar bafrooei K, khezri H. Prevalence of types of bullying in schools in yazd city from the perspective of teachers. *J Except Educ.* 2013 autumn; 7(120):15-26. [Full text in Persian]
- 5- Aliverdina A, Sohrabi M. Social explanation of school bullying (a case study on sari city's high school students). *SCDS.* 2015 summer; 4(1):9-39. [Full text in Persian]
- 6- Jolliffe D, Farrington DP. Is low empathy related to bullying after controlling for individual and social background variables? *J Adolesc.* 2011 Oct; 34(1):59-71.
- 7- Khezravi Aflakfar A. Investigating the factors affecting child physical abuse in children referred to the pediatric psychiatry ward of Shahid Esmaili Hospital in Tehran [dissertation]. University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences Tehran, 1996 spring. [Full text in Persian]
- 8- Jalalifar P. Comparison of child abuse and its effective factors in normal and exceptional male and female students (blind and deaf) in Tehran [dissertation]. Islamic Azad University, Central Tehran Branch, 2006 winter. [Full text in Persian]
- 9- Keshavarzian, N. Comparison of the relationship between parenting patterns and child abuse in normal children and children with learning disabilities [dissertation]. Islamic Azad University, Central Tehran Branch, 2008 winter. [Full text in Persian]

- 10- Jordan A, Welbury RR, Tiljak MK, Cukovic-Bagic I. Croatian dental students' educational experiences and knowledge in regard to child abuse and neglect. *J Dent Educ.* 2012 Nov;76(11):1512-1519.
- 11- Aluedse O. Bullying in Schools: A Form of Child Abuse in Schools. *J Educ Res.* 2006;30(1):37-49.
- 12- Nocentini A, Fiorentini G, Di Paola L, Menesini E. Parents, Family characteristics and bullying behavior: A systematic review. *Aggress Violent Behav.* 2019 Mar-Apr; 45:41-50.
- 13- Hong JS, Kim DH, Piquero AR. Assessing the links between punitive parenting, peer deviance, social isolation and bullying perpetration and victimization in South Korean adolescents. *Child Abuse Negl.* 2017 Nov;73:63-70.
- 14- Gómez-Ortiz O, Romera EM, Ortega-Ruiz R. Parenting styles and bullying. The mediating role of parental psychological aggression and physical punishment. *Child Abuse Negl.* 2016 Jan;51:132-43.
- 15- Many MM, Kronenberg ME, Dickson AB. Creating a "nest" of emotional safety: Reflective supervision in a child-parent psychotherapy case. *J Infant Ment Health.* 2016 Nov;37(6):717-727.
- 16- Bowlby J. Attachment and loss: retrospect and prospect. *Am J Orthopsychiatry.* 1982 Oct; 52(4):664-678.
- 17- Cantón-Cortés D, Cantón J, Cortés MR. Emotional security in the family system and psychological distress in female survivors of child sexual abuse. *J Child Abuse Negl.* 2016 Jan;51:54-63.
- 18- Davies PT, Cummings EM. Interparental discord, family process, and developmental psychopathology. *Developmental Psychopathology: Volume Three: Risk Disorder, and Adaptation.* 2015 Sep;56: 86-128.
- 19- Boniel-Nissim M, Sasson H. Bullying victimization and poor relationship with parents as risk factors of problematic internet use in adolescence. *Comput Hum Behav.* 2018 Nov;88: 176-183.
- 20- Valizadeh Shafag Sh, Azadmard Sh, Abolghasemi A, Hajiloo J. The role of HEXACO personality dimensions and attachment styles in bullying adolescence adjustment behaviors. *J Sch Psychol.* 2017 Autumn; 6(3):153-136. [Full text in Persian]
- 21- Rajabi M, Bakhshani NM, Saravani MR, Khanjani S, Bagian MJ. Effectiveness of cognitive-behavioral group therapy on coping strategies and in reducing anxiety, depression, and physical complaints in student victims of bullying. *Int J High Risk Behav Addict.* 2017 Jun 1; 6(2): 1-6.
- 22- Peleg-Oren N, Cardenas GA, Comerford M, Galea S. An association between bullying behaviors and alcohol use among middle school students. *J Early Adolesc.* 2012 Dec; 32(6):761-775.
- 23- Espelage DL, Holt MK. Bullying and victimization during early adolescence: Peer influences and psychosocial correlates. *J Emot Abuse.* 2001; 2(2-3):123-142.
- 24- Shuggia S, Atta M. Translation and Validation of Illinois Bullying Scale for Pakistani children and Adolescents. *Pak J Soc Clin Psychol.* 2011 Dec; 9(1):79-82.
- 25- Chalmeh R. Psychometric adequacy of Illinois bullying scale in Iranian students: a study of validity, reliability and factor structure, *J Psychol Methods.* 2013 Spring; 3(11):39-52. [Full text in Persian]
- 26- Fink LA, Bernstein D, Handelsman L, Foote J, Lovejoy M. Initial reliability and validity of the Childhood Trauma Interview. *Am J Psychiatry.* 1995 Sep; 152(9):1329-1335.
- 27- Mullen PE, Martin JL, Anderson JC, Romans SE, Herbison GP. The long-term impact of the physical, emotional, and sexual abuse of children: A community study. *Child Abuse Negl.* 1996 Jan;20(1):7-21.
- 28- Frey L, Cushing G, Freundlich M, Brenner E. Achieving permanency for youth in foster care: assessing and strengthening emotional security. *Child Fam Soc Work.* 2008 May; 13(2):218-226.
- 29- Laura Q, Lorin K, Anne MM. Creating emotional safety in the classroom and in the field. *Reflections: Narratives of Professional Helping.* 2012 Nov;18(2):42-47.
- 30- Zottis GA, Salum GA, Isolan LR, Manfro GG, Heldt E. Associations between child disciplinary practices and bullying behavior in adolescents. *J Pediatr.* 2014 Jul-Aug; 90(4):408-414.

- 31- Matson JL, Taras ME. A 20 year review of punishment and alternative methods to treat problem behaviors in developmentally delayed persons. *J Res Dev Disabil.* 1989 Jan; 10(1):85-104.
- 32- Strathearn L, Giannotti M, Mills R, Kisely S, Najman J, Abajobir A. Long-term cognitive, psychological, and health outcomes associated with child abuse and neglect. *Pediatrics.* 2020 Oct; 146(4): e20200438.
- 33- Lowell A, Renk K, Adgate AH. The role of attachment in the relationship between child maltreatment and later emotional and behavioral functioning. *Child Abuse Negl.* 2014 Sep;38(9):1436-49.
- 34- Buelga S, Martínez-Ferrer B, Cava MJ. Differences in family climate and family communication among cyberbullies, cybervictims, and cyber bully-victims in adolescents. *Comput Hum Behav.* 2017 Nov; 76:164-173.
- 35- Davies PT, Cummings EM, Winter MA. Pathways between profiles of family functioning, child security in the interparental subsystem, and child psychological problems. *Dev Psychopathol.* 2004 Summer;16(3):525-50.
- 36- Perren S, Alsaker FD. Social behavior and peer relationships of victims, bully-victims, and bullies in kindergarten. *J Child Psychol Psychiatry.* 2006 Jan; 47(1):45-57.